

بسم الله الرحمن الرحيم
از حکمت های نورانی حضرت امیرمؤمنان صلوات الله و سلامه علیه
در محضر آیت الله استاد محمد شجاعی مدظله العالی

" الْمُكْوَرُّ شَيْطَانٌ فِي صُورَةِ الْإِنْسَانِ "

غررالحکم و دررالکلم، فصل 1، ح 243 و 1503

هر خلقی، هر فکر و عقیده ای، هر چه در وجود انسان غالب شد، صورت برزخی انسان به همان صورت است. شیطان اصلی همان ابلیس، خصوصیت حاکم بر وجودش (اگر چه خصوصیات دیگر دارد)، آنچه از قرآن و روایات می فهمیم، چه در اصل داستان آدم و حوا و چه در همه انسانها، مکر و حيله و فریب است و با آن پیش می آید.

کسی که با فریبکاری و مکاری و حيله با انسانها پیش می آید، این وصف وقتی در وجود انسان غالب شد، چون وصف شیطان است، ما هم مکور شدیم (فریب دهنده) ظاهر انسان است ولی در پشت پرده شیطان است، در آن سو، در برزخ به صورت شیطان است.

بدن اخروی تابع خصوصیات حاکم بر وجود انسان است؛ بدن برزخی تابع خصوصیات غالب بر وجود انسان است؛ آن خصوصیات چه صورتی را اقتضاء می کند؟ به همان صورت در می آید؛ عالم ماده یک چیز دیگر است. (اکثر انسانهای موجود در اینجا، از خصوصیات انسانی چیزی در وجودشان نمانده است) این از قوانین حاکم بر عالم ماده است که خدا اینجور قرار داده است؛ اما بدن اخروی طبق خصوصیات درونی متمثل می شود.

ما بی مکر نیستیم، ما از صفات بد بی بهره نیستیم، لمس آن برای وقتی است که خوب بفهمید و عمل کنید، حقیقت را می یابید. مکر که یکی از خصوصیات شیطانی و بد است، در ما در مراتب مختلف هست و در وجود اکثر قریب به اتفاق انسانها هست الا صالحان و خوبان که با مجاهدت به عنایت خدای متعال خود را پاک کرده اند. درجات پایین تر مکر که غالب نبود، صورت انسان به صورت شیطان در نمی آید ولی نه این است که چوبش را نمی خورد، صورت را عوض نمی کند اما عذابش را دارد. همه خصایص و اخلاق که بد است اگر غالب باشد، صورت انسان عوض می شود، اگر غالب نباشد به تناسب خودش عذابش را می بیند.

کسانی که به مجاهدت و تزکیه می پردازند، سعی می کنند از خصال بد، عادات بد و ... خود را تطهیر کنند، بدی ها که به خصال و اخلاق است و جریانات قلبی انسان است که باب وسیعی است؛ در دل انسان چه می گذرد؟ دل انسان چیست؟ نفرت ها و بد آمدن های انسان از چه قماش است؟ آنها که تهذیب و ترکیه می کنند، روی دل، اعمال اعضاء و جوارح کار می کنند، در همه اینها باید انسان به مجاهدت پردازد.

آنچه بیند در جَبِیَّت اهل دل تو تَبِیْنی در خود ای از خود خَجَل

انسان می تواند با مُجَاهِدت عبودی به جایی برسد که بَوَاطِن را ببیند، آنهایی که دکان باز کرده اند نه! و ساده لوحانی هستند که حرف آنها را می پذیرند، و دکان آنها می گیرد و ...

اما مصداق واقعی ممکن است داشته باشد که با مُجَاهِدت عبودی به آن مراحل می رسند که نه مُجَازِنْد که چیزی معلوم کنند، نه از دیده های خود چیزی بگویند مگر در مقام تَأْدِیْب شاگرد گوشه ای را بگویند.

هر که را آسرار حق آموختند مَهر کردند و دهانش دوختند

این علم اینجوری را به کسی می دهند که لب توانند دوختن؛ اگر به این مرحله نرسد به او نمی دهند و اگر لب باز کرد همه را می گیرند؛ آیه ای در قرآن در خصوص بَلْعَم باعور آمده، اَسْمَش را نمی برد اما در روایات اَسْمَش آمده که با مجاهدت به جاهای بالایی رسیده بود « وَاَتَلْ عَلَیْهِمْ نَبَأَ الَّذِیْ اٰتِیْنَاهُ اِبَاتِنَا فَاَنْسَلَخْ مِنْهَا » (سوره اعراف / 175).

آنها که با مجاهدت عبودی به مقام بالا رسیده اند، اگر خدا اجازه بدهد بواطن را ببینند، نه اصلش را مجاز هستند که بگویند و نه مصدقش را که من تو را اینجور می بینم. یکی از مردان بزرگ مانند مرحوم علامه طباطبایی بوده اند؛ چنین مقاماتی را طی کرده بودند ولی اصلاً معلوم نمی کردند نه اصلش را نه فرعش را. یکی از نشانه های آنها که این خصوصیت را پیدا می کنند که با مجاهدت عبودی که بسیار سخت است و جاهدوا فی الله حق جهاده، به آنجا رسیده اند این است که اصلاً نمی گویند، اصلاً معلوم نمی کنند که به محضر امام زمان صلوات الله علیه، رسیده اند؛ همین الان هستند بعضی ها که می بینند و دکانها باز کرده اند و چه ! ...

البته حتما توجه دارید که داشتند این چنین علمی، ذرها بسیار ناچیز از دریای بیکران علوم است که به سالک الی الله در مسیر تکاملی به او داده می شود و مقصد همانا ذات مقدس حق است .

